

## «مطالعات جامعه‌شناسی»

سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۱

ص ص ۱۱۸-۱۰۷

### بررسی رابطه هویت قومی و تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی دانشجویان\*

علیرضا قاسمی<sup>۱</sup>

دکتر سعید آریابوران<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

#### چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه هویت قومی و تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی دانشجویان دانشگاه بوده است. به همین منظور ۴۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به روش طبقه‌ای انتخاب شده‌اند و مقیاس هویت قومی، مقیاس تجانس فرهنگی و مقیاس از خود بیگانگی را به صورت انفرادی تکمیل نمودند. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین هویت قومی، جستجوی هویت قومی و تعلق و تعهد قومی با از خود بیگانگی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین تجانس فرهنگی با بی‌هنجاری و احساس انزوا رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. اما بین تجانس فرهنگی و از خود بیگانگی رابطه معنی‌دار بدست نیامد. براساس نتایج رگرسیون چند متغیری، هویت قومی به صورت منفی قوی‌ترین متغیر برای پیش‌بینی از خود بیگانگی دانشجویان بوده است ( $p < 0/05$ ). نتایج آزمون T مستقل نشان داد که بین میانگین هویت قومی و تجانس فرهنگی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. همچنین نشان داده شد که میانگین بی‌هنجاری در دانشجویان دختر و میانگین ناتوانی و احساس انزوا در دانشجویان پسر بیشتر بوده است. اما بین میانگین از خود بیگانگی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** هویت قومی، تجانس فرهنگی، از خود بیگانگی، دانشجویان.

\* این مقاله از تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه هویت قومی و تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی دانشجویان» استخراج شده است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه صورت گرفته است.

۱. گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه- ایران. E-mail: alirezaghaseemi78@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی (استادیار) دانشگاه ملایر- ایران.

## مقدمه

از خود بیگانگی، یکی از مهم‌ترین مسائل انسان‌شناختی است که در رشته‌های گوناگون علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و حتی روان‌پزشکی مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم (Alienation) که در زبان فارسی به «از خود بیگانگی» ترجمه شده است، عنوانی است کلی برای بسیاری از دردهای فردی و اجتماعی انسان؛ و به دلیل همین کلیت، مفهومی است بسیار مبهم. بر همین اساس است اگر فردی دچار از خود بیگانگی شده باشد سؤال می‌شود چگونه این مشکل یا بیماری به وجود آمده، راه‌حل و یا درمان آن چیست؟ چرا بسیاری از انسان‌ها به این درد مزمن مبتلا هستند؟ راه‌های پیشگیری از آن کدام است؟ چه اقداماتی باید در زندگی انسان صورت گیرد تا به رفع آن منجر شود؟ مجموعه پرسش‌هایی از این دست و پاسخ به این‌ها، مستلزم بررسی مفهوم از خود بیگانگی، تبیین دیدگاه‌های مختلف درباره آن و در نهایت، ارائه راهکارهایی برای پیشگیری یا درمان آن می‌باشد (بشیری، ۱۳۸۲: ۷۴). هگل<sup>۱</sup> مفهوم از خود بیگانگی را در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه دین به کار می‌برد و از مجموعه سخنان وی بر می‌آید که وی دین را یکی از عوامل از خود بیگانگی انسان به معنای منفی آن می‌داند. فوئر باخ، که یک فیلسوف ماتریالیست است، دین را عامل بزرگ از خود بیگانگی انسان می‌شمارد. مارکس، الیناسیون را «بیگانگی»<sup>۲</sup> و «بیگانه بودن با خویش»<sup>۳</sup> معنی می‌کند و آن را فراق انسان از فرآورده خویش، از خویشتن خویش، جامعه خویش و سرشت خویش می‌داند (اصغری‌نیاری، ۱۳۸۶: ۵۲). در سال‌های اخیر از خود بیگانگی توجه متخصصان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (سکستون<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳؛ نقل از ابوالقاسمی و دیگری، ۱۳۸۵: ۴۳). ساترلند<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) معتقد است که بیگانگی به معنی احساس بی‌معنی بودن زندگی، احساس جدایی از دوستان و بیزار بودن از ارزش‌های جامعه می‌باشد (ابوالقاسمی و دیگری، ۱۳۸۵: ۵۷). درمیان دانشجویان دانشگاه به دلیل جدایی از خانواده و عدم سازگاری با فرهنگ دانشگاه از خود بیگانگی ممکن است وجود داشته باشد.

هویت قومی به عنوان احساس تعلق به یک گروه قومی و داشتن تفکر، ادراک، احساسات و رفتارهای همسان با اعضای آن گروه تعریف شده است (روترا و فینی<sup>۶</sup>، ۱۹۸۷: ۹۶). گزارش‌های علمی نشان داده است که دانشجویان دانشگاه در موفقیت‌های تحصیلی با موانع زیادی مواجه می‌شوند، به عنوان مثال دانشجویان دارای اقلیت نژادی با برخی از مشکلات نظیر احساس انزوا، ناخوشی و جدایی از محیط آموزشی

<sup>1</sup> Hegel

<sup>2</sup> Estrangement

<sup>3</sup> Entfremdung

<sup>4</sup> Sexton

<sup>5</sup> Saterland

<sup>6</sup> Rotheram & Phinney

دانشگاه مواجه می‌شوند (واسکیوز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲: ۱۵۴). گراهام و هادلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵: ۴۰۱)، گزارش کردند که هویت قومی متغیر مهمی است که در تاب‌آوری افراد نقش مهمی دارد و با دل‌مشغولی‌های دانشگاهی در میان دانشجویان آمریکای لاتین مرتبط است.

از جمله متغیرهایی که می‌تواند از خود بیگانگی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد، تجانس فرهنگی<sup>۳</sup> است که در تحقیقات مورد توجه قرار نگرفته است. تجانس فرهنگی عبارت است از ادراک سازگاری یا هم‌رایی بین فرهنگ شخصی دانشجویان و فرهنگ دانشگاه (گلوریا و رابینسون کارپیوس، ۱۹۹۶: ۵۳۸). عدم تجانس فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و اعتقادات دانشجویان با ارزش‌های دانشگاهی متناقض باشد (پانتروتو<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰: ۱۱۵). گلوریا و همکاران (۲۰۰۵: ۲۲۹)، نشان دادند که تجانس فرهنگی به طور معنی‌داری پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان است و دانشجویان دارای سطوح بالای تجانس فرهنگی، موانع آموزشی کمتری گزارش نموده و ادراک مثبتی از دانشگاه دارند. کوینتانانا و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۹۱: ۱۶۲)، از سازگاری دانشجویان لاتینو برای تحصیلات بالاتر آشکار کرد که مشکلات و ناراحتی دانشجویان لاتینو با فرهنگ سفیدپوست بانمرات بالای استرس مرتبط بوده است، با این پیشنهاد که استرس زمانی ناشی می‌شود که دانشجویان لاتینو فاصله بیشتری را بین فرهنگ خانگی خود و فرهنگ موسسات اصولاً سفید پوست ادراک می‌کنند. در مورد رابطه تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی تحقیقی صورت نگرفته است. اما به نظر می‌رسد که این متغیرها می‌توانند از خود بیگانگی دانشجویان را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا در ادبیات پژوهش نقش تجانس فرهنگی در سلامت و بهزیستی روان‌شناختی آنان مورد تایید قرار گرفته است، بنابراین می‌توان گفت این متغیر می‌تواند با از خود بیگانگی دانشجویان ارتباط داشته باشد. در مطالعه اورازکو (۲۰۰۷: ۷۹)، نشان داده شد که هویت قومی، حمایت اجتماعی، راهبردهای مقابله‌ای، محیط دانشگاهی و تجانس فرهنگی ۵۱ درصد از واریانس تاب‌آوری را بیان می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تاب‌آوری، به ترتیب راهبردهای مقابله‌ای، تجانس فرهنگی، حمایت اجتماعی ادراک شده و هویت قومی بوده‌اند.

هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه هویت قومی و تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی دانشجویان دانشگاه بوده است و جدید بودن موضوع از اهمیت به خصوصی برخوردار است. اهمیت و حساسیت موضوع پژوهش می‌تواند انگیزه خوبی برای انجام این تحقیق باشد. با توجه به این که تاکنون پژوهش‌های خیلی کمی در جهان در مورد ارتباط هویت قومی و تجانس فرهنگی با همدیگر صورت گرفته است و نقش این متغیرها در پیش‌بینی از خود بیگانگی دانشجویان نادیده گرفته شده است، بنابراین انجام این پژوهش از بُعد افزایشی می‌تواند باعث تقویت حوزه‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی شود. باتوجه به این که دانشجویان

1. Vasquez

2. Graham and Hudley

3. Cultural congruity

4. Ponterotto

5. Quintana et al

دانشگاه، مخصوصاً دانشجویان غیر بومی دارای فرهنگ متفاوت از فرهنگ دانشگاه می‌باشند، این امر ممکن است برای دانشجویان مشکل‌ساز شود و مسلماً دانشجویانی که فرهنگ خود را متفاوت از فرهنگ دانشگاه می‌بینند، سازگاری‌شان دچار مشکل خواهد شد، بنابراین انجام این پژوهش لازم و ضروری است، زیرا می‌تواند نقش مهمی در توجه به سلامت روانی - اجتماعی دانشجویان دانشگاه داشته باشد.

### روش‌شناسی

**روش تحقیق:** روش تحقیق در این مطالعه از نوع همبستگی می‌باشد. به این دلیل که هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه (همبستگی) هویت قومی و تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی دانشجویان بوده است. در این مطالعه هویت قومی و تجانس فرهنگی به عنوان متغیر پیش‌بین و از خود بیگانگی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است.

**نمونه و روش نمونه‌گیری:** نمونه آماری این پژوهش را ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه تشکیل می‌دهند که به روش طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. به این صورت که نمونه پژوهش از بین دو گروه دختر (۵۰ درصد) و پسر (۵۰ درصد) به نسبت مساوی انتخاب شده‌اند. لازم به ذکر است که نمونه آماری براساس فرمول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) به دست آمده است (به نقل از خوی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۳۳۲).

**ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات:** در این پژوهش از پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

### نتایج

نتایج توصیفی نشان داد که از میان نمونه پژوهش ۵۰ درصد از آزمودنی‌های پژوهش دختر و ۵۰ درصد پسر، ۷ درصد درمقطع تحصیلی کاردانی و ۹۳ درصد درمقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بوده‌اند و ۷/۵ درصد آزمودنی‌ها متأهل و ۹۲/۵ درصد مجرد بوده‌اند.

جدول شماره (۱): میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در دانشجویان دختر و پسر

جنسیت دانشجویان						متغیر
کل		پسر		دختر		
SD	میانگین	SD	میانگین	SD	میانگین	
۶/۵۵	۳۶/۲۹	۶/۶۶	۳۶/۷۰	۶/۴۳	۳۵/۸۸	هویت قومی
۳/۵۶	۱۷/۵۱	۳/۶۶	۱۷/۸۲	۳/۴۴	۱۷/۲۰	جستجوی هویت قومی
۳/۵۶	۱۸/۷۸	۳/۴۷	۱۸/۸۸	۳/۶۵۵	۱۸/۶۸	تعلق و تعهد قومی
۳/۳۰	۲۹/۳۱	۳/۶۵	۲۹/۴۸	۲/۹۲	۲۹/۱۴	تجانس فرهنگی
۳/۵۵	۲۴/۸۹	۳/۵۵	۲۴/۴۶	۳/۴۹	۲۵/۳۲	بی‌هنجاری
۴/۷۵	۲۴/۱۴	۴/۸۳	۲۴/۶۶	۴/۶۲	۲۳/۶۲	ناتوانی
۴/۱۰	۲۸/۷۴	۴/۱۷	۲۹/۲۲	۳/۹۸	۲۸/۲۶	احساس انزوا
۹/۲۷	۷۷/۷۷	۹/۲۷	۷۸/۳۴	۹/۲۶	۷۷/۲۰	از خود بیگانگی

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را در دو گروه دانشجویان دختر و پسر و کل دانشجویان نشان می‌دهد.

**جدول شماره (۲): خلاصه نتایج همبستگی تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی و زیر مقیاس‌های آن**

متغیر پیش‌بین	همبستگی و P	متغیرهای ملاک		
		بی‌هنجاری	ناتوانی	احساس انزوا
تجانس فرهنگی	r	-۰/۱۱۷	۰/۰۲۳	-۰/۱۱۱
	P	۰/۰۱۹	۰/۶۴۱	۰/۰۲۷
هویت قومی	r	-۰/۱۷۰	-۰/۰۳۲	-۰/۱۹۵
	P	۰/۰۰۱	۰/۵۲۵	۰/۰۰۰
جستجوی هویت قومی	r	-۰/۱۶۸	۰/۰۳۰	-۰/۱۹۹
	P	۰/۰۰۱	۰/۵۵۳	۰/۰۰۰
تعلق و تعهد قومی	r	-۰/۱۴۵	-۰/۰۲۹	۰/۱۶
	P	۰/۰۰۴	۰/۵۶۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود بین هویت قومی با بی‌هنجاری ( $r=-0/117$ )، احساس انزوا ( $r=-0/195$ ) و از خود بیگانگی ( $r=-0/135$ ) رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. اما بین هویت قومی با ناتوانی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. همچنین بین جستجوی هویت قومی با بی‌هنجاری ( $r=-0/168$ )، احساس انزوا ( $r=-0/199$ ) و از خود بیگانگی ( $r=-0/137$ ) و بین تعلق و تعهد قومی با بی‌هنجاری ( $r=-0/145$ )، احساس انزوا ( $r=-0/16$ ) و از خود بیگانگی ( $r=-0/111$ ) رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین تجانس فرهنگی با بی‌هنجاری ( $r=-0/117$ ) و احساس انزوا ( $r=-0/111$ ) رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. اما بین تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی و زیر مقیاس ناتوانی رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

**جدول شماره (۳): خلاصه نتایج رگرسیون چند گانه با روش ورود برای پیش‌بینی از خود بیگانگی از طریق هویت قومی و تجانس فرهنگی**

ANOVA					
مدل	مجموع مجذورات	Df	MS	F	p
رگرسیون	۶۴۰/۳۶۵	۲	۳۲۰/۳۶۵	۳/۷۷۸	۰/۰۲۴
باقیمانده	۳۳۶۲/۱۰۹	۳۹۷	۸۴/۷۹۱		
کل	۳۴۳۰۲/۸۴۰	۳۹۹			
ضرایب					
متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	T	p	
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	۶۹/۰۰۳	۵/۰۶۷	-	۱۳/۶۱۷	۰/۰۰۰
هویت قومی	-۰/۱۹۴	۰/۰۷۱	-۰/۱۳۷	-۲/۷۴۴	۰/۰۰۶
تجانس فرهنگی	-۰/۰۵۹	۰/۱۴۰	-۰/۰۲۱	-۰/۴۲۱	۰/۱۷۴

توجه: ( $R=0/137$  و  $RS=0/019$  Adj.RS= $0/014$ )

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد باتوجه به مقدار RS هویت‌قومی و تجانس فرهنگی ۰/۰۱۹ واریانس از خود بیگانگی را تعیین کرده است. بنابراین باتوجه به مقدار بتا و سطح معنی‌داری هویت‌قومی به صورت منفی قوی‌ترین متغیر برای پیش‌بینی از خود بیگانگی دانشجویان بوده است ( $p > 0.05$ ).

جدول شماره (۴): خلاصه نتایج آزمون T مستقل برای مقایسه از خود

بیگانگی و زیر مقیاس‌های آن در دو گروه دانشجویان دختر و پسر						
متغیر	گروه	میانگین	SD	df	t	p
بی‌هنجاری	دختر	۲۵/۳۲	۳/۴۹	۳۹۸	۲/۴۳۹	۰/۰۱۵
	پسر	۲۴/۴۶	۳/۵۵			
ناتوانی	دختر	۲۳/۶۲	۴/۶۲	۳۹۸	-۲/۲۰۰	۰/۰۲۸
	پسر	۲۴/۶۶	۴/۸۳			
احساس انزوا	دختر	۲۸/۲۶	۳/۹۸	۳۹۸	-۲/۳۳۵	۰/۰۱۹
	پسر	۲۹/۲۲	۴/۱۷			
از خود بیگانگی	دختر	۷۷/۲۰	۹/۳۶	۳۹۸	۱/۲۳۰	۰/۲۱۹
	پسر	۷۸/۳۴	۹/۲۷			

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود بین میانگین بی‌هنجاری، ناتوانی و احساس انزوا در دو گروه دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به این معنی که میانگین بی‌هنجاری در دانشجویان دختر و میانگین ناتوانی و احساس انزوا در دانشجویان پسر بیشتر بوده است. اما بین میانگین از خود بیگانگی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین هویت‌قومی با بی‌هنجاری ( $r = -0.17$ ) احساس انزوا ( $r = -0.195$ ) و از خود بیگانگی ( $r = -0.135$ ) رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج همبستگی نشان داد که بین زیر مقیاس جستجوی هویت‌قومی با بی‌هنجاری ( $r = -0.168$ ) احساس انزوا ( $r = -0.199$ ) و از خود بیگانگی ( $r = -0.137$ ) و بین زیر مقیاس تعلق و تعهد قومی با بی‌هنجاری ( $r = -0.145$ ) احساس انزوا ( $r = -0.16$ ) و از خود بیگانگی ( $r = -0.111$ ) رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، به این معنی که با افزایش هویت‌قومی و ابعاد آن یعنی جستجوی هویت‌قومی و تعلق و تعهد قومی، میزان بی‌هنجاری، انزوا و از خود بیگانگی کاهش پیدا کرده است. اما بین هویت‌قومی با ناتوانی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. از آن جا که در تحقیقات مختلف به نقش و اهمیت هویت‌قومی در از خود بیگانگی دانشجویان تحقیقی صورت نگرفته است می‌توان گفت که این یافته نتایج رایجی و آلپورا (۱۹۹۰؛ به نقل از اورزاکو، ۲۰۰۷؛ ۱۹۸)،

را مورد تایید قرار داده است. آن‌ها نشان دادند که کسب هویت قومی به طور معنی‌داری با عزت نفس در ارتباط است و شاید همین دارا بودن میزان عزت نفس بالا در افراد دارای هویت قومی باعث می‌شود که آنان از هنجارهای جامعه پیروی نمایند، کمتر احساس گوشه‌گیری و انزوا کنند. هم‌چنین می‌توان گفت که این یافته می‌تواند تاییدی بر یافته‌های هالرن و والر (۲۰۰۳: ۳۴۳) و اورزاکو (۲۰۰۷: ۲۰۲) است. زیرا در تحقیقات آنان نشان داده شده است که هویت قومی با تاب‌آوری رابطه مثبت و معنی‌داری دارد، چون تاب‌آوری یکی از متغیرهای مرتبط با سلامتی است (اورزاکو، ۲۰۰۷: ۲۰۴) بنابراین نتایج این تحقیق قابل توجیه است زیرا از خود بیگانگی نیز می‌تواند با سلامت روان رابطه معنی‌داری داشته باشد.

در توجیه این یافته می‌توان گفت از آن جا که فینی (۱۹۹۲: ۱۲۱) اظهار نموده است که هویت قومی دارای سه عنصر کلیدی خود شناسایی (استفاده از یک برچسب برای خود)، احساس تعلق (که فخر قومی، احساسات در مورد پیشینه خود و احساسات تعلق یا دلبستگی به یک گروه را ارزیابی می‌کند) و نگرش در جهت گروه خود می‌باشد، بنابراین دارا بودن احساس هویت قومی بالا می‌تواند تاثیر عمده‌ای بر خصوصیات روانی اجتماعی افراد از جمله از خود بیگانگی داشته باشد. زیرا هویت قومی نقش عمده‌ای در خودشناسی افراد دارد و افراد به دلیل خودشناسی، حس تعلق به گروه قومی خود و نگرش مثبت در جهت گروه خودی کمتر گوشه‌گیری، بی‌هنجاری و خود از خود بیگانگی را تجربه می‌کنند.

هم‌چنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین تجانس فرهنگی با بی‌هنجاری ( $r = -0/117$ ) و احساس انزوا ( $r = -0/111$ ) رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، به این معنی که با افزایش نمرات تجانس فرهنگی میزان بی‌هنجاری و احساس انزوا به عنوان دو بعد از ابعاد از خود بیگانگی کاهش پیدا کرده است. اما بین تجانس فرهنگی با از خود بیگانگی و زیر مقیاس ناتوانی رابطه معنی‌دار وجود ندارد. از آن جاکه چه در تحقیقات داخلی و چه در تحقیقات خارجی به رابطه بین تجانس فرهنگی و از خود بیگانگی اشاره نشده است، بنابراین می‌توان گفت که این نتیجه، یافته‌های گلوریا و همکاران (۲۰۰۵: ۲۳۱) را مورد تایید قرار می‌دهد. آن‌ها نشان دادند که تجانس فرهنگی به طور معنی‌داری پیش‌بینی کننده بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان آمریکای لاتین بوده است و چون از خود بیگانگی نیز می‌تواند با بهزیستی روان‌شناختی رابطه داشته باشد، این نتیجه قابل توجیه است.

در توجیه این یافته می‌توان گفت که از آن جا که تجانس فرهنگی به ادراک دانشجویان از سازگاری بین فرهنگ خانوادگی و شخصی آنان و فرهنگ دانشگاه اطلاق می‌شود و عدم تجانس فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و اعتقادات دانشجویان با ارزش‌های دانشگاهی متناقض است (گلوریا و رابینسون کارپوس، ۱۹۹۶: ۵۴۰). بنابراین داشتن ادراک دانشجویان از تجانس فرهنگی و هماهنگ کردن فرهنگ خود و دانشگاه می‌تواند نقش مهمی در کاهش از خود بیگانگی آنان داشته باشد، به عبارت دیگر هرچه دانشجویان فرهنگ شخصی خود و فرهنگ دانشگاهی‌شان را به هم نزدیک کنند کمتر احساس می‌کنند

<sup>1</sup>. Holleran & Waller

که هنجارهای جامعه را به صورت منفی تجربه می‌کنند (بی‌هنجاری) و هم‌چنین کمتر احساس گوشه‌گیری می‌کنند. چرا که آن‌ها در محیط دانشگاه دچار مشکل نخواهند شد و استرس‌های کمتری را تجربه می‌کنند (کویتانا و همکاران، ۱۹۹۱: ۱۶۲)، و تمایل دارند که در تحصیل خود از دیدگاهی فعال، مثبت و با برنامه استفاده نمایند تا چالش‌های آموزشی کمتری را تجربه نمایند (گلوریا و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۳۴).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه با روش ورود (Inter) نشان داد که با توجه به مقدار RS هویت قومی و تجانس فرهنگی ۰/۰۱۹ واریانس از خود بیگانگی را تعیین کرده است. بنابراین با توجه به مقدار بتا و سطح معنی‌داری هویت قومی به صورت منفی قوی‌ترین متغیر برای پیش‌بینی از خود بیگانگی دانشجویان بوده است ( $p > 0/05$ ). با توجه به این‌که تاثیر هویت قومی و تجانس فرهنگی بر از خود بیگانگی دانشجویان بررسی نشده است، می‌توان گفت این یافته نتایج رایینی و آلپورا (۱۹۹۰؛ به نقل از اورزاکو، ۲۰۰۷: ۲۰۶)، هالرن و والر (۲۰۰۳: ۳۴۵)، و اورزاکو (۲۰۰۷)، را مورد تایید قرار داده است. آن‌ها نشان دادند که دارا بودن هویت قومی به‌طور معنی‌داری با متغیرهای مرتبط با سلامتی از جمله عزت نفس (احساس ارزش‌مند بودن و بها دادن به خویش به عنوان یک انسان) و تاب‌آوری (دارا بودن موفقیت تحصیلی بالا علی‌رغم موانع و مشکلات تحصیلی) در ارتباط است.

در توجیه این یافته می‌توان گفت، از آن‌جا که هویت قومی به عنوان احساس تعلق به یک گروه قومی و بخشی از تفکرات، استنباط، احساسات رفتاری است که ناشی از عضویت در یک گروه قومی بوده تعریف شده است (روت‌رام<sup>۱</sup> و فینی، ۱۹۸۷: ۱۰۲)، و نشان داده شده است افرادی که هویت قومی بالایی دارند اختیارات و تعهدات‌شان نسبت به یک هویت قومی را جستجو می‌کنند (اوتنای<sup>۲</sup> - گریبیک و رافائلی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۵۶۶). بنابراین برخورداری دانشجویان از این ویژگی می‌تواند باعث شود که آنان از خود بیگانگی را به عنوان یک ویژگی که جهت‌گیری منفی احساسات ناهماهنگ فرد و باورهای نقادانه نسبت به بافت اجتماعی خاص را نشان می‌دهد (ابوالقاسمی و دیگری، ۱۳۸۵: ۷۲) کمتر تجربه نمایند.

اما از آن‌جا که تجانس فرهنگی در مدل رگرسیون جهت پیش‌بینی از خود بیگانگی معنی‌دار نبوده است، در توجیه این یافته می‌توان گفت که این امر به معنی عدم رابطه این متغیر با از خود بیگانگی نیست، بلکه به این معنی است که قدرت پیش‌بینی این متغیر را نداشته و یا به عبارتی در تبیین این متغیر سهم کمتری را به خود اختصاص داده است. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که اکثر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه بومی بوده‌اند؛ زیرا بومی بودن آنان می‌تواند دلیلی بر هماهنگی بین ارزش‌های شخصی و ارزش‌های دانشگاهی‌شان باشد. چرا که احتمالاً در دانشجویان بومی فرهنگ موجود در دانشگاه آنان و ارزش‌های محیط دانشگاهی آنان کمتر با محیط و فرهنگ شخصی و خانوادگی آنان متفاوت است و همین

<sup>۱</sup> Rotheram

<sup>۲</sup> Ontai- Grzebik & Raffaelli



امر باعث می‌شود که تجانس فرهنگی را به صورت مثبت تجربه نکنند. به عبارت دیگر اگر دانشجویان دانشگاه غیر بومی می‌بودند، احتمالاً نتایج متفاوت می‌شد.

نتایج آزمون T مستقل نشان داد که بین میانگین هویت قومی و زیر مقیاس‌های آن در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. با توجه به آن که در ادبیات پژوهشی مربوط به هویت قومی به نقش جنسیت در میزان هویت قومی اشاره نشده است، در تبیین این یافته می‌توان گفت که این متغیر ممکن است کمتر به جنسیت و تفاوت‌های جنسی ربط داشته باشد. زیرا نشان داده شده است که رشد هویت قومی تحت تاثیر تجربیات خانواده و همسالان، ارزش‌های فرهنگی و سنت‌ها می‌باشد (کابرا و پادیللا، ۲۰۰۴: ۱۶۱؛ هولران و والر ۲۰۰۳: ۳۴۷؛ اونتای-گریبک و رافالی ۲۰۰۴: ۵۵۸؛ تورس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۵۴۳)، و به متغیر جنسیت اشاره نشده است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که دارا بودن هویت قومی مناسب هم در دانشجویان دختر و هم در دانشجویان پسر به یک میزان مهم بوده است، به عبارت دیگر دانشجویان دختر و پسر دید یکسانی نسبت به هویت قومی خویش دارند و هویت قومی در میان آنان از ارزش یکسانی برخوردار است. هم‌چنین نتایج آزمون T مستقل نشان داد که بین میانگین تجانس فرهنگی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با توجه به آن که در تحقیقات داخلی و خارجی به تفاوت هویت قومی در میان زنان و مردان اشاره نشده است، در تبیین این یافته می‌توان گفت چون تجانس فرهنگی به ادراک دانشجویان از سازگاری بین فرهنگ خانوادگی و شخصی آنان با فرهنگ دانشگاه اطلاق می‌شود و عدم تجانس فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و اعتقادات دانشجویان با ارزش‌های دانشگاهی متناقض است (گلوریا و کاریوس، ۱۹۹۶: ۵۴۰). بنابراین دانشجویان دختر و پسر که اکثراً بومی هستند به یک میزان تجانس فرهنگی را تجربه نموده‌اند؛ زیرا نزدیکی فرهنگ دانشگاه و فرهنگ خانوادگی آنان به دلیل بومی بودن باعث می‌شود که آنان فرهنگ دانشگاه که چندان تفاوتی با فرهنگ خانوادگی آنان ندارد را به صورت مثبت ادراک کنند. به عبارت دیگر می‌توان گفت وقتی دانشجویان در یک فرهنگ یکدست از نظر زبانی، فرهنگی، اجتماعی و ... زندگی می‌کنند، ادراک آنان از محیط دانشگاهی و تفاوت آن با محیط خانوادگی آنان کمتر تحت تاثیر جنسیت و تفاوت‌های جنسیتی آنان قرار می‌گیرد.

نتایج آزمون T مستقل نشان داد که بین میانگین بی‌هنجاری، ناتوانی و احساس انزوا در دو گروه دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به این معنی که میانگین بی‌هنجاری در دانشجویان دختر و میانگین ناتوانی و احساس انزوا در دانشجویان پسر بیشتر بوده است. اما بین میانگین از خود بیگانگی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های کشاورزی (۱۳۸۷: ۸۲)، همخوانی دارد. زیرا در پژوهش ایشان نشان داده شد که بین میانگین نمرات احساس ناتوانی و انزوا

<sup>1</sup> Cabrera & Padilla

<sup>2</sup> Torres

در میان دختر و پسر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به این معنی که میانگین احساس ناتوانی در پسران و میانگین انزوا در دختران بیشتر بوده‌اند.

در توجیه این که از خود بیگانگی در میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری به دست نیامده است، می‌توان گفت که احتمالاً علت این عدم تفاوت را می‌توان به دانشجو بودن افراد نسبت داد، چرا که کسب علم و دانش می‌تواند یکی از عواملی باشد که مانع از خود بیگانگی می‌شود. ولی از آنجا که میانگین احساس ناتوانی و انزوا در پسران و میانگین بی‌هنجاری در دختران بیشتر بوده است می‌توان گفت که احساس ناتوانی که به معنای این انتظار یا احتمال در فرد است که رفتارش تأثیری در تعیین پیامدهای مورد نیازش ندارد، و احساس انزوا که به احساس گوشه‌گیری و کناره‌گیری از جامعه اشاره دارد، در پسران ممکن است بیشتر به دلیل استرس‌هایی باشد که نسبت به تشکیل زندگی و پیدا کردن شغل آینده و حتی ادامه تحصیل تجربه می‌کنند، چرا که پسران بیشتر از دختران در این زمینه‌ها دچار استرس می‌شوند. زیرا در آینده سرپرستی یک خانواده به آنان واگذار می‌شود و باید برای گذران زندگی از شغل مناسبی برخوردار باشند.

با توجه به آن که احساس بی‌هنجاری در میان دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر بوده است، می‌توان گفت چون بی‌هنجاری به وضعیت فکر و ذهنی اشاره دارد که در آن فرد تصور می‌کند تنها رفتارهایی او را به هدف نزدیک می‌سازند که مورد تأیید جامعه نیستند، بنابراین دانشجویان دختر به دلیل قرار گرفتن در محیط دانشگاه ممکن است رفتارهایی مخالف رفتارهای گذشته خود انجام دهند، زیرا جدا شدن از خانواده و تحت تأثیر محیط دانشگاهی و هماهنگی با افراد هم‌جنس در دانشگاه منجر به وجود رفتارهای جدید و حتی مخالف با جامعه در آنان می‌شود.

محدود شدن نمونه به دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و استفاده صرف از پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات از جمله محدودیت‌های این پژوهش بوده است. با توجه به محدودیت‌های بالا و براساس نتایج به مسئولین امر در دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی پیشنهاد می‌شود که به متغیرهای هویت قومی و تجانس فرهنگی توجه لازم داشته باشند، چرا که وجود مثبت این متغیرها در دانشجویان می‌تواند از وجود از خود بیگانگی در دانشجویان جلوگیری نماید. همچنین پیشنهاد می‌شود که برای دانشجویان جدیدالورود از طریق جلسات معارفه و کارگاه‌های آموزشی در جهت ادراک آنان از تفاوت‌های محیط فرهنگی دانشگاه و محیط خانوادگی برگزار شود تا عدم تجانس فرهنگی در آنان از خود بیگانگی آنان را تشدید ننماید. همچنین، با توجه به این که دانشجویان ممکن است با دانشجویانی هم‌کلاس یا هم‌دوره باشند که جزیی از اقلیت‌های قومی باشند و این امر ممکن است مشکلاتی را برای آنان به وجود آورد، پیشنهاد می‌شود که در دانشگاه جهت تعدیل هویت قومی مناسب و جلوگیری از هویت قومی نامناسب و تعصبات بی‌جا در مورد هویت قومی کارگاه‌های آموزشی برگزار شود. در نهایت، به پژوهش‌های دنباله‌رو این پژوهش پیشنهاد می‌شود

که در انجام پژوهش‌هایی نظیر این پژوهش به بررسی این متغیر در گروه‌های قومی، دانشجویان مقاطع مختلف و دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی انجام دهند.

### منابع

- ابوالقاسمی، ع؛ و دیگری. (۱۳۸۵). *آزمون‌های روان‌شناختی*. اردبیل: انتشارات باغ رضوان.
- اصغری نیاری، ی. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه سلسله مراتب ارزش‌ها با از خود بیگانگی دانشجویان دانشگاه*. گزارش پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی.
- بشیری، ا. ا. (۱۳۸۲). *از خود بیگانگی*. ماهنامه معرفت. سال چهاردهم، شماره ۹۱.
- کشاوری، م. ع. (۱۳۸۷). *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با هویت قومی در میان دانشجویان*. گزارش پژوهشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- Cabrera, N. L. & Padilla, A. M. (2004). Entering and succeeding in the "Culture of College": The story of two Mexican heritage students. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*. 26 (2), P.p. 152-170.
- Gloria, A. M., Castellanos, J., & Orozco, V. (2005). Perceived educational barriers, cultural fit, coping responses, and psychological well-being of Latina undergraduates. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*. 27 (2), P.p. 161-183.
- Gloria, A. M., Castellanos, J., Lopez, A. G., & Rosales, R. (2005). An examination of academic nonpersistence decisions of Latino undergraduates. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*. 27 (2), P.p. 202-223.
- Gloria, A.M., & Robinson Kurpius, S. E. R. (1996). The validation of the Cultural Congruity Scale and the University Environment Scale with Chicano/a students. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*. 18 (4), P.p. 533-549.
- Graham, S., & Hudley, C. (2005). **Race and ethnicity in the study of motivation and competence**. In A. J. Elliot & C. S. Dweck (Eds.), *Handbook of Competence and Motivation*, New York: Guilford Press. P.p. 392-413.
- Holleran, L. K., & Waller, M. A. (2003). Sources of resilience among Chicano/a youth: Forging identities in the borderlands. *Child and Adolescent Social Work Journal*. 20 (5), P.p. 335-350.
- Ontai-Grzebik, L. L., & Raffaelli, M. (2004). Individual and social influences on ethnic identity among Latino young adults. *Journal of Adolescent Research*. 19 (5), P.p. 559-575.
- Orozco, V. (2007). **Ethnic Identity, Perceived Social Support, Coping Strategies, University Environment, Cultural Congruity, and Resilience of Latina/o College Students**. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University. The Ohio State University.
- Phinney, J. S. (1992). The Multigroup Ethnic Identity Measure: A new scale for use with diverse groups. *Journal of Adolescent Research*. 7 (2), P.p. 156-176.
- Phinney, J. S., Baldelomar, O., & Romero-Alfaro, I. (2005). **Conceptualization and measurement of ethnic identity development: Exploration, commitment, and ethnic identity statuses**. Manuscript submitted for publication.

- Quintana, S. M., Vogel, M. C., & Ybarra, V. C. (1991). Meta-analysis of Latino students' adjustment in higher education. **Hispanic Journal of Behavioral Sciences**. 13 (2), P.p. 155-168.
- Rotheram, M., & Phinney, J. (1987). **Ethnic behavior patterns as an aspect of identity. In Children's ethnic socialization: Pluralism and development.** Newbury Park, CA: Sage.
- Rotheram, M., & Phinney, J. (1987). **Ethnic behavior patterns as an aspect of identity. In Children's ethnic socialization: Pluralism and development.** Newbury Park, CA: Sage.
- Torres, V. (2003). Influences on ethnic identity development of Latino college students in the first two years of college. **Journal of College Student Development**. 44 (4), P.p. 532-547.
- Vasquez, M. J. T. (1982). Confronting barriers to the participation of Mexican- American women in higher education. **Hispanic Journal of Behavioral Sciences**. 4 (2), P.p. 147-165.

Archive of SID